

جریان

در جریان باشیم...

ویژه نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی
بسیج دانشجویی دانشگاه بوعلی سینا
شماره پنجم | سال ۱۴۰۳



صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه بوعلی سینا
مدیر مسئول: امیرحسین صبوری
سر دبیر: شورا ی سردبیری
هیئت تحریریه: امیرمحمد وحدتی، مهدی یاری،
مهیارمحمد پور، مریم پاکرو، ساجده خانجانی،
فاطمه محمودی شجاع، فاطمه رفیع زاده



«الَّذِينَ آمَنُوا يقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفاً»

«کسانی که ایمان دارند در راه خدا پیکار می کنند و آن ها که کافرند در راه طاغوت. پس شما با یاران شیطان پیکار کنید زیرا نقشه شیطان ضعیف است.»

آیه ۷۶ سوره نساء

فهرست

- ۱۳ آبان و تاثیر آن بر سیاست های بین الملل:..... ۱
- مقاومت و تشیع:..... ۲، ۳
- محور مقاومت و معادلات منطقه ای:..... ۴، ۵
- مرگ بر آمریکا شعار نیست:..... ۶، ۷، ۸
- اسلام و دموکراسی:..... ۹
- نفوذ:..... ۱۰
- دانشجوی معلق:..... ۱۱
- ساده لوحی و فراموشی و یا خیانت و دین فروشی:..... ۱۲
- مردم سالاری اسلامی:..... ۱۳، ۱۴
- دانشجو و قومیت گرایی:..... ۱۵



مجلس شورای اسلامی ایران

«تأثیر ۱۳ آبان بر سیاست‌های بین‌الملل»

محور مقاومت؛ اتحادی راهبردی با کشورهای منطقه

پس از واقعه ۱۳ آبان، ایران به‌طور جدی‌تر به دنبال ایجاد ائتلاف منطقه‌ای از نیروها و گروه‌های سیاسی همسو با خود برآمد. این رویکرد به شکل‌گیری «محور مقاومت» منجر شد که شامل گروه‌ها و کشورهای می‌شود که در برابر نفوذ و سیاست‌های آمریکا و متحدانش در منطقه ایستادگی می‌کنند. این محور، تأثیر عمیقی بر مسائل سیاسی منطقه غرب آسیا داشته و باعث تغییر توازن قدرت در سوریه، عراق، لبنان، یمن و فلسطین شده است. امروز، این جریان، نقش محوری در تقویت موقعیت ویژه و راهبردی ایران و مقابله با تهدیدات خارجی دارد.

تأثیرات بردانش هسته‌ای ایران

تسخیر لانه جاسوسی، تأثیر قابل توجهی بر روند شکل‌گیری فناوری و دانش هسته‌ای ایران نیز داشت. ایران که درگیر تحریم‌های اقتصادی و محارصه دیپلماتیک بود، به دنبال توسعه فناوری هسته‌ای برای تأمین نیازهای انرژی و حفظ استقلال خود از منابع خارجی رفت. اگرچه این تصمیم به چالشی بزرگ در روابط بین‌المللی ایران تبدیل شد و سلسله مذاکرات طولانی را در پی داشت، اما ایران توانست با تأکید بر حقوق خود در چارچوب قوانین بین‌المللی، مسیری امن و مستقل برای تأمین انرژی خود ایجاد کند.

۱۳ آبان یادآور این حقیقت است که تغییر از طریق آگاهی، شجاعت و همبستگی امکان‌پذیر است.

۱۳ آبان؛ جرقه‌ای که سیاست‌های ایران را دگرگون کرد...

۱۳ آبان ۱۳۵۸ برای ایران و سیاست بین‌المللی، به نقطه عطف فراموش نشدنی تبدیل شد. در این روز تاریخی، عده‌ای از دانشجویان انقلابی ایران با تسخیر سفارت آمریکا در تهران، چشمان جهان را به خود خیره کردند. اقدام جسورانه آنها نه تنها بازتابی از احساسات ضدامپریالیستی در ایران بود، بلکه زنگ هشدار برای سیاستمداران و قدرت‌های جهانی به شمار می‌رفت...

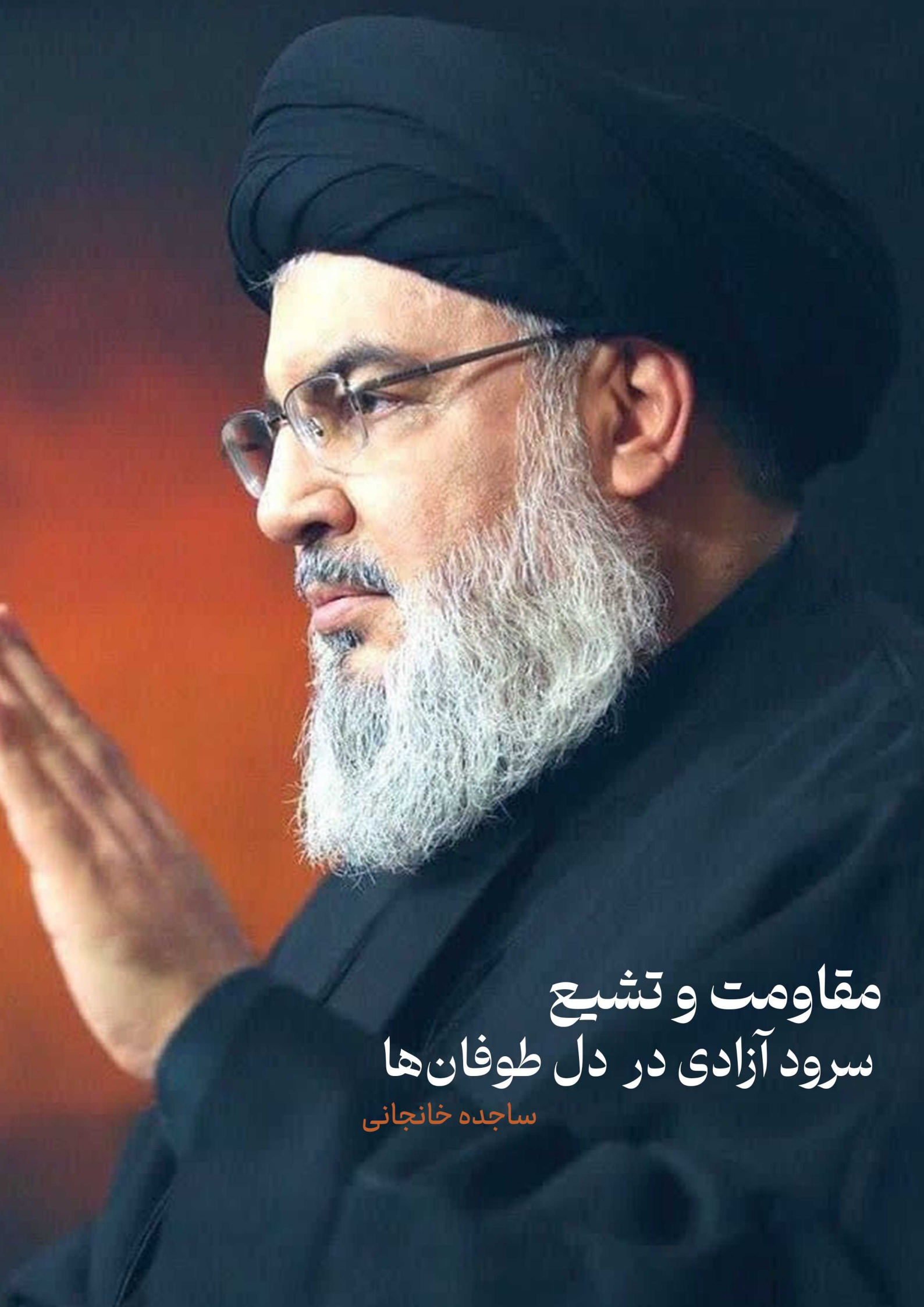
شکل‌گیری رویکرد استقلال از قدرت‌های غربی در سیاست ایران

پس از انقلاب اسلامی، ایران به دنبال تثبیت جایگاه خود به عنوان کشوری مستقل و مخالف سیاست‌های هژمونیک قدرت‌های غربی بود. تسخیر لانه جاسوسی در واقع به منزله اعتراض سالها مداخله آمریکادر امور داخلی ایران و همچنین دیگر کشورها بود. این حادثه باعث شد ایران بتواند خود را به عنوان یک نیروی مقاوم و مخالف با سیاست‌های استعماری و امپریالیستی در جهان معرفی کند. نتیجه، ایجاد جبهه‌ای از کشورهای همسو با ایران بود که خواستار استقلال بیشتر از سلطه غرب بودند.

اقتصاد مقاومتی: اقتصاد برآمده از تحریم‌ها:

یکی از مهمترین پیامدهای این رویداد، اعمال تحریم‌های گسترده توسط آمریکا و متحدانش بر ایران بود. با این وجود، این فشارها، ایران را به سمت سیاست «اقتصاد مقاومتی» سوق داد. این مفهوم، به معنای تکیه بر منابع داخلی و تقویت استقلال اقتصادی است، که به تدریج در ساختار اقتصادی و سیاست‌های تولیدی کشور جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد. دانشجویان به عنوان نیروی فکری جامعه، نقش بسزایی در ترویج و بسط ایده‌های اقتصاد مقاومتی داشتند و با تکیه بر علم و فناوری وبومی‌سازی دانش، مسیر امنی برای خودکفایی کشور فراهم کردند.





مقاومت و تشیع
سرود آزادی در دل طوفان‌ها
ساجده خانجانی



برای دانشجویان، درک این پیوند عمیق میان تشیع و مقاومت، نه تنها به تقویت هویت فرهنگی و دینی شان کمک میکند، بلکه میتواند به عنوان سکوی پرتابی برای تلاش در جهت تحقق عدالت و آزادی در سطح جهان عمل نماید.



در جهانی که ظلم و فساد بی پرده بر آن حاکم است، مفهوم مقاومت به عنوان یک چراغ امید در دل تاریکی هامیدرخشد. در این میان، تشیع نه تنها به عنوان یک مذهب، بلکه به عنوان یک نغمه آزادی و ایستادگی در برابر ظلم و ناعدالتی، در قلب جوامع اسلامی جاودانه است.

ریشه‌های تاریخی مقاومت در تشیع:

تشیع، در آغازین روزهای تاریخ خود، با مفاهیم ایستادگی و مقاومت گره خورده است. قیام عاشورا، که به مثابه یک نقطه عطف در تاریخ بشریت شناخته میشود، تنها یک رویداد تاریخی نیست، بلکه یک فراخوان جهانی برای عدالت و حق طلبی است. امام حسین (ع)، با فداکاری شگفت‌انگیز خود، روحیه‌ای را در دل مؤمنان بیدار کرد که آنان را به مبارزه با ستم و فساد فرامیخواند. این نهضت، فراتر از زمان و مکان، به عنوان یک الگو برای آزادی خواهان در سراسر جهان باقیمانده است.

تشیع و نظریه‌های مقاومت

مفهوم مقاومت در تشیع، به یک نظریه محدود نمیشود، بلکه همچون نهری پرخروش، درگفتمان‌های معاصر نیز جریان دارد. یکی از بارزترین اندیشمندان این حوزه، امام خمینی (ره) است که با تکیه بر آموزه‌های دینی و فرهنگی، نهضت را بنیان نهاد که روحیه تازه به مبارزات اجتماعی بخشید. ایشان با برقراری پیوندی عمیق میان دین و سیاست، الگوی جدیدی از مقاومت را ارائه دادند که هم اکنون در قلب جوامع اسلامی طنین انداز است.

مقاومت و تشیع در دنیای معاصر

امروزه، در جهان که در آتش جنگ‌ها و ناعدالتی‌ها میسوزد، تشیع به عنوان نیروی مؤثر در مبارزه با استبداد و تجاوزات بین‌المللی جلوه گر میشود. از لبنان تا یمن و سوریه و فلسطین، پیروان این مکتب با الهام از آموزه‌های تشیع، در برابر قلدری و استعمار ایستاده‌اند. نمونه بارز این مقاومت، حزب الله لبنان است که با روحیه‌ای انقلابی اراده‌ای آهنی، در برابر ظلم و استکبار تلاش میکند.

جوانان؛ پیشگامان جنبش‌های اجتماعی

در این عرصه، جوانان، به عنوان قشر پویا و پرانرژی جوامع، نقش بی‌بدیلی ایفا میکنند. آنها، با بهره‌گیری از آموزه‌های تشیع و تجارب تاریخی، میتوانند موتور محرک جنبش‌های فرهنگی و اجتماعی باشند. حرکت‌های مدنی در کشورهای اسلامی، از تونس تا ایران، نشان‌دهنده این واقعیت است که نسل جدید، با درک عمیق از ارزش‌های تشیع، توانسته است صدای مقاومت را به گوش جهانیان برساند.

ویژه‌نامه جریان
بسیج دانشجویی
دانشگاه بوعلی سینا





«محور مقاومت و معادلات منطقه ای»
فاطمه رفیع زاده

غرب آسیا؛ سرزمین زخم خورده اما سربلند... خاکی پر از بغض‌های فروخورده و رد چکمه‌های سربازان بیگانه. سرزمینی که سالهاست زیر سایه سیاه استکبار جهان و طمع بی پایان زورگویان دنیا، به سختی نفس میکشد. اما درد دل این خاک ستم دیده، امیدی تازه، ققنوس وار سرب‌آورده؛ جریانی که همچون ستاره‌ای در عمق تاریکی، روشنایی را به دلها میبخشد و معادلات منطقه و جهان را به کلی دگرگون ساخته است. شعله‌ای از ایمان و اراده‌های بی بدیل، که اکنون قد برافراشته، **محور مقاومت**؛ محوری که در آن، چشم‌های پرتلاطم حاج قاسم، چونان ستاره‌های هدایتگر در شبهای سیاه اشغال و اسارت، راه آزادی را نشان میدهد و دست‌ان یاری‌گر سید مقاومت نصرالله عزیز، واسطه‌ی فیض و نصر الهی میشوند، **محور مقاومت، تنها یک جبهه‌ی نظامی نیست**؛ این جریان، اتحاد دلیرمردان و شیرزنانی ست که به صحنه آمده‌اند تا قرن‌ها خون و خونریزی و جنگ و سلطه‌گری را در این منطقه به پایان برسانند و نشان دهند که هیچ قدرتی، هرچند بزرگ و تابه دندان مسلح، نمیتواند ملت‌های بیدار و آزاده این سرزمین مقدس را به بند بکشد. روزگاری بود که اسرائیل، آمریکا و دیگر زورگویان ثروتمند دنیا، با تکبر بر این سرزمین میتاختند و میکشیدند و غارت میکردند، اکنون اما این طنین خوش گام‌های محور مقاومت است که، هیبت پوشالی آنها را فرو ریخته و منطقه را به میدان نبردی تبدیل کرده که دیگر نقطه‌ای برای ستمگران در آن امن نیست. از لبنان تا فلسطین، از سوریه تا یمن، از عراق تا ایران، و به گفته‌ی آن پیر خراسانی، تا دانشجویان بیدار دانشگاه‌های آمریکایی و اروپایی، **محور مقاومت با همدلی و ایستادگی، منطقه را دگرگون ساخته**، سرباز پشت سرباز و فرمانده پشت فرمانده را فدا کرده، از سید هاشم صفی‌الدین تا یحیی سنوار را هزینه کرده، اما همچنان استوار و سرافراز ایستاده است... این ملت‌های ستم‌دیده با هم عهد بسته‌اند که از شرافت خود، از سرزمین خود و از قدس شریف این سرزمین انبیا و اولیای الهی تا آخرین نفس دفاع کنند. امروز، قدس این قلب تپنده‌ی مقاومت، در انتظار روزی ست که فرزندان‌ش پرچم پیروزی را بر بلندای رفیع سرزمین زیتون برافرازند و آزادی را به تمامی مظلومان هدیه دهند... آری، **محور مقاومت** فریادی برای رهایی است؛ پیمانی که معادلات جهان سرمایه داری را درهم شکست و تا آزادی کامل قدس شریف، از حرکت باز نخواهد ایستاد. **مقاومت، امتداد انقلاب پابرهنگان در برابر دنیای سرمایه داران است..**



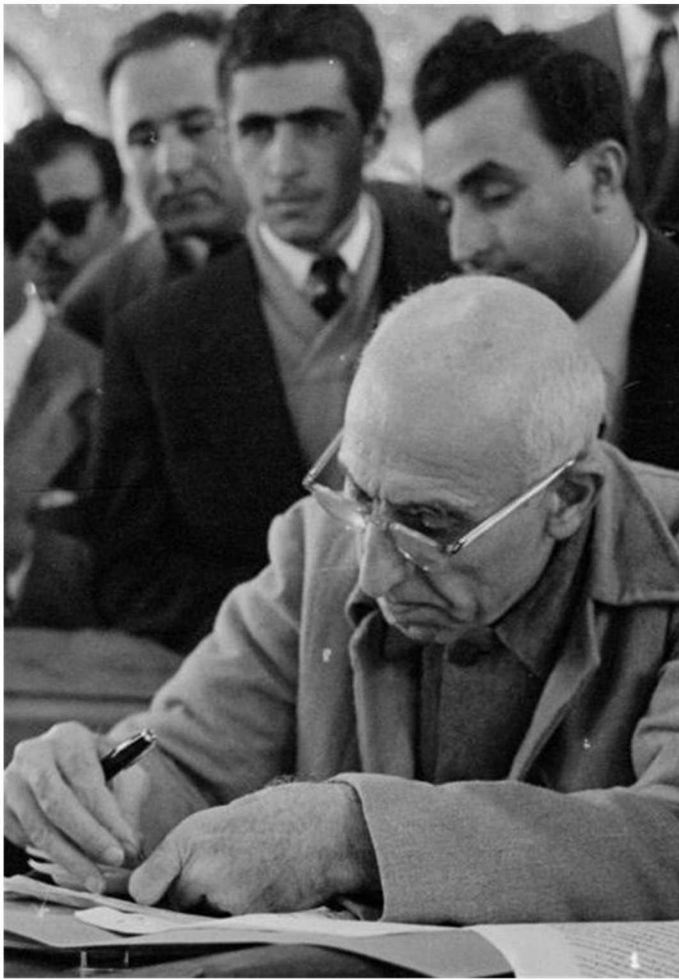
ویژه‌نامه جریان
بسیج دانشجویی
دانشگاه بوعلی سینا



۵

بسیج دانشجویی دانشگاه بوعلی سینا

«مرگ بر آمریکا شعار نیست» مریم پاکرو



در همین بین کودتای ۲۸ مرداد با همکاری سازمان های اطلاعاتی آمریکا (CIA) و انگلیس (MI6) برنامه ریزی شد. این دو سازمان در اون زمان به شدت تلاش می کردند که مصدق را از صحنه قدرت خارج کنند. خلاصه در روز ۲۸ مرداد، نیروهای وفادار به شاه به رهبری افرادی امثال سرلشکر زاهدی به خیابون ها اومدن و با حمایت نیروهای اجتماعی و بعضی از گروه های سیاسی و چند گروه راست گرا، تلاش کردند که حکومت مصدق را سرنگون کنند. در این روز، درگیری های شدیدی در تهران اتفاق افتاد و در نهایت با افتادن مصدق به حبس و ارتقای زاهدی به نخست وزیر، کودتا به سرانجام رسید.

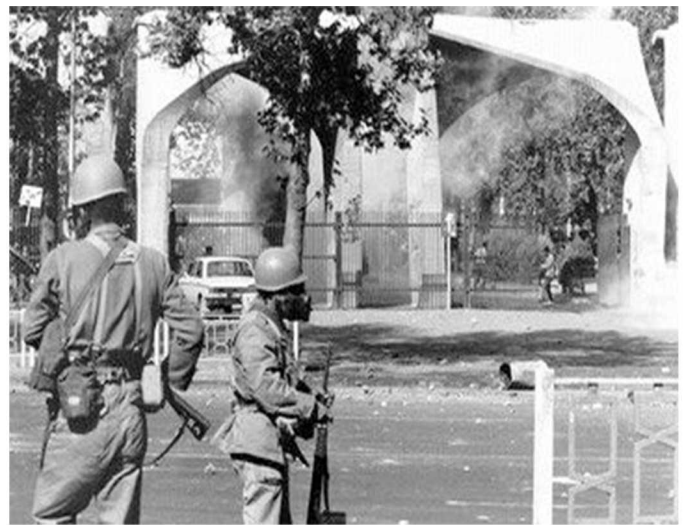
ویژه نامه جریان
بسیج دانشجویی
دانشگاه بوعلی سینا



سلام به دانشجوی عزیز که میخواد چند دقیقه با من همراه باشه! امروز می خواهم در مورد شعار مرگ بر آمریکا صحبت کنیم... بیاید اول از همه تاریخچه ی این شعار رو بررسی کنیم، اینکه چی شد که برای اولین بار مردم ایران این شعار رو سردادن؟ خوب یه نکته ی جالب همین ابتدا بگم که سال تولد این شعار بر میگردد به سال ۱۳۳۲ یعنی چند سال قبل انقلاب اسلامی؟ آفرین ۲۵ سال حالا چه اتفاقی افتاد که مردم ما این شعار رو گفتن؟؟؟ تو اواسط قرن بیستم، ایران که صاحب منابع عظیم نفت بود که بیشتر به دست شرکت های خارجی، به ویژه شرکت نفت انگلیس و ایران (آی.پی.سی) کنترل می شد و ایران سهم خیلی کمی از درآمد نفت خودش داشت. یعنی درآمد نفت خودمون رو به خودمون نمیدادن!!! مردم ایران از این موضوع ناراضی بودن که با وجود منابع غنی نفت در کشور، سهم ایران از درآمد نفتی بسیار کم بود و شرکت های خارجی هم عمدتاً سود حاصل رو به خارج از کشور انتقال می دادند. بعد از جنگ جهانی دوم، موجی از ملی گرایی تو کشورهای مختلف به خصوص منطقه غرب آسیا به وجود اومد. ایرانی ها که از وابستگی به قدرت های زورگوی خارجی خسته شده بودن به دنبال این بودن که کنترل منابع خودشون رو به دست بگیرن و به استقلال اقتصادی برسند... دکتر محمد مصدق به عنوان یک رهبر ملی و محبوب، تونست این احساسات را به یک جنبش قوی تبدیل کنه و به عنوان نخست وزیر، در راستای ملی سازی صنعت نفت فعالیت های زیادی انجام بده. ملی سازی نفت به مردم این امید رو می داد که درآمد نفت به بهتر شدن شرایط زندگی مردم عادی و توسعه کشور کمک کنه. این عوامل در ترکیب با همدیگه باعث شد که مردم ایران به طور گسترده ای از ملی شدن صنعت نفت حمایت کنن و در نهایت این حرکت در سال ۱۳۲۹ به تصویب مجلس شورای ملی کشورمون رسید. اما خوب قدرت های خارجی مثل آمریکا و انگلیس با این قضیه کنار نیومدن و سعی کردن که این استقلال نفتی ایرانی ها رو در هم بشکنن. همیشه گفت یکی از عوامل اصلی بروز تنش ها تو اون دوران و بعد از اون، ملی کردن صنعت نفت ایران به رهبری دکتر مصدق بود. این اقدام باعث بروز اختلافات جدی با شرکت نفت انگلیس (بریتیش پترولیوم) و دولت های غربی شد و اونها با تحریم های اقتصادی، کشور ما رو دچار مشکلات جدی اقتصادی کردن.

«مرگ بر آمریکا شعار نیست» مریم پاکرو

شعار «مرگ بر آمریکا» سردادن، حالا فکر می کنید دانشجوی هایی که کشته شدن به سوپر انقلابی بودن که در حمایت یا به قول بعضیا به تحریک امام خمینی اعتراض می کردن؟؟؟ خب معلومه که نه!! این واقعه مربوط به سال ۳۲ میشه که اصلا اسمی از امام خمینی (ره) مطرح نبود و کسی ایشون رو نمی شناخت. یا فکر می کنید مذهبی افراطی بودن که دائم یا در حال نماز یا اعتراض بودن؟؟ این هم اشتباهه اونها دانشجوی هایی از اعضای حزب توده بودن که به دلیل آموزه های مارکسیستی شون معمولاً با دین و مذهب به عنوان یکی از موانع پیشرفت اجتماعی و اقتصادی برخورد می کردن و انتقادات زیادی به ادیان و مذهب به ویژه اسلام وارد می کردن. بنابراین، میشه گفت که حزب توده به طور کلی با دین و به خصوص دین اسلام به عنوان بخشی از ایدئولوژی خودش مخالف بود، اما این مخالفت به یک شکل بین تمام اعضای اون وجود نداشت پس مخالفت اون ها با آمریکا نه متأثر از انقلاب اسلامی بود و نه دین و مذهب، در واقع اون ها فقط فهمیده بودن که، نفوذ آمریکا در ایران و اجرای برنامه هایی که دسر داره به ضرر منافع ملی مردم هستش و هرچه قدر این نفوذ بیشتر بشه وضعیت مردم به ویژه اقشار غیر مرفه روز به روز بدتر میشه. همین ماجرا، زمینه رو برای مخالفت با شاه و آمریکا فراهم می کرد.



دقت کنید که همه ی این ها تو شرایطی اتفاق افتاد که هیچ ایرانی ای تا این زمان از گل نازک تر به آمریکا نگفته بود! نه شعاری!! نه اعتراضی!! نه مطالبه ای!! تنها پیروی محض بود و باج دادن!!! چند ماه بعد از این کودتا و شکست نهضت ملی شدن صنعت نفت، اعلام شد که نیکسون (نائب ریاست جمهوری آمریکا) قراره به ایران بیاد تا تثبیت موقعیت آمریکا در ایران رو ارزیابی کنه و روابط ایران و آمریکا و انگلیس به دوران قبل از نهضت برگردونه... با انتشار خبر ورود نیکسون به ایران ناآرامی ها شروع شد. مردم وبه خصوص دانشجوی ها که این ننگ رو نمی تونستن تحمل کنن دست به اعتراض و سخنرانی های شدیدالحن زدند. دانشجویان دانشکده های حقوق و علوم سیاسی، دندانپزشکی، فنی و مهندسی، پزشکی و داروسازی در دانشکده های خود شون، تظاهرات پرشوری علیه رژیم کودتایی برپا کردن. روز ۱۵ آذر اما تظاهرات به خارج از دانشگاه کشیده شد و مأموران انتظامی، طی زد و خوردهایی با دانشجویها، تعدادی از اون ها مثل شهید چمران رو مجروح و گروهی رو دستگیر و زندانی کردن... صبح روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲، نیروهای گارد برای اولین بار وارد صحن دانشگاه تهران شدن تا رژیم فریاد مخالفینش رو در گلو خفه کنه. داخل یکی از کلاسهای درس دانشکده فنی و مهندسی، چند نفر از دانشجویها در اعتراض به حضور مأموران گارد، اونها را به سخره می گیرن و مأموران گارد با حمله به دانشجویهای بی پناه، سه نفر از اون ها رو به شهادت می رسونن. شهید احمدقندچی، مصطفی بزرگ نیا و مهدی شریعت رضوی سه دانشجویی بودن که به شهادت رسیدن و دانشجویان دانشگاه تهران برای اولین بار در تاریخ



ویژه نامه جریان
بسیج دانشجویی
دانشگاه بوعلی سینا



«مرگ بر آمریکا شعار نیست» مریم پاکرو

مرگ بر آمریکا یعنی مرگ بر استکباری که در برابر ملت ایران می ایسته، استقلال، آزادی، حقوق طبیعی و سیاسی اون ها را نادیده می گیره و خواهان رد خواسته های مشروع این ملت زنده است.

خب دوست من تو چی فکر می کنی در مورد این شعار که نه!! رویکرد؟!



ویژه نامه جریان
بسیج دانشجویی
دانشگاه بوعلی سینا

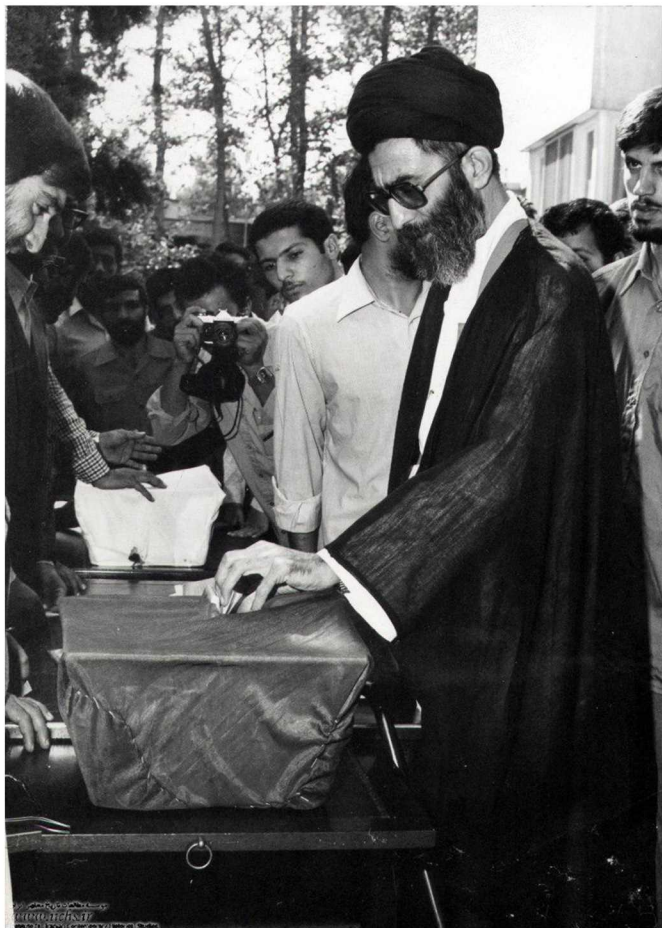


حالا فکر می کنید فردای این روز غمبار و وحشتناک چه اتفاقی افتاد؟؟ کسی اظهار پشیمانی کرد؟ کسی از مردم عذرخواهی کرد؟؟ متاسفانه باید بگم خیر!!! روز بعد نیکسون به ایران اومد، و به دانشگاه تهران رفت، و از همان دانشگاهی که هنوز به خون دانشجویان بی گناه رنگین بود، دکترای افتخاری حقوق دریافت کرد و از سکون و سکوت گورستان خاموشان ابراز مسرت کرد و به دولت کودتا، وعده هرنوع مساعدت و کمکی داد و به رئیس جمهور آمریکا پیغام برد که آسوده بخوابه. اما چی شد که این شعار ادامه پیدا کرد و فراموش نشد نفوذ و زورگویی آمریکا بعد از این کودتا بیشتر شد تا جایی که حتی بعد از انقلاب اسلامی هم دست از دشمنی و نفرت برنداشت و هنوز هم با روش های مختلف سعی در شکستن استقلال و جلوگیری از پیشرفت ایرانی ها داره.

تخریک ارتش بعث عراق برای حمله به خاک ایران، فروش مهمات و تسلیحات به دشمنان ایران، تحریم های اقتصادی و تجاری و نفتی که با هدف تضعیف اقتصاد و فشار به مردم و حکومت اعمال میشه، انتشار اخبار جعلی و تحلیل های غلط علیه دولت و مردم برای ناامید کردن اون ها، متهم کردن ایران به همکاری با تروریسم برای تخریب چهره ی بین المللی و قطع روابط سایر کشورها با ایران، مذاکرات و تحریم های هسته ای برای کاهش توانمندی هسته ای کشور و همه و همه باعث شد تا جمله ی مرگ بر آمریکا دیگه صرفا یک شعار نباشه و به دلیل ترکیب عوامل تاریخی، سیاسی به یک رویکرد عمیق و ریشه دار در جامعه ایران تبدیل بشه. به علاوه تجربه تاریخی و سیاسی ثابت کرده هرجا و در هر کشوری مردم محکم جلوی دشمن و بدخواه وطن شون ایستادن پیروز شدن و هرجا به دشمن اعتماد کردن و از عقیده و اراده ی خودشون کوتاه اومدن سخت ضربه خوردن. مثال هایی از این دست، تو تاریخ زیاد هست! پیشنهاد می کنم حتما مطالعه کنید. در آخر این یادداشت به این نکته اشاره کنم که مرگ بر آمریکا شامل مردم این کشور نمیشه، اون ها هم آدمایی هستن مثل بقیه مردم دنیا...

مهدی یاری «اسلام و دموکراسی»

در این نظام رهبری عادل، شجاع و عالم به مبانی دینی در کنار دیگر ارکان دموکراتیک نظام از جمله قوه مجریه و مجلس و شورای نگهبان، جامعه اسلامی را آنچنان که پیامبر و ائمه علیهم السلام برای ما به سنت و به یادگار گذاشته اند و براساس احکام برگرفته از قرآن کریم به پیش میبرند در این نظام است که ساختار نظام شاهنشاهی و دیکتاتوری ساقط شده و رای مردم تعیین کننده تفکر و جناح حاکم و سلیق سیاسی کشور است در این نظام است که مردم مشخص میکنند چه کسی و چه تفکری در قدرت باشد و مجری قوانین کشور شود، و این جابه جایی مسالمت آمیز قدرت در سلیق و جناح های مختلف در طول تاریخ انقلاب گناه این مطلب است..



ویژه نامه جریان
بسیج دانشجویی
دانشگاه بوعلی سینا



شاید همیشه در ذهن شما این سوال مطرح باشد که رابطه ی بین دین و مذهب و مردم سالاری چیست؟ و آیا میشود ولایت مطلقه ی پیامبران و امامان و ولی فقیه را با دموکراسی و آزادی های انسانی و حقوق بشر در یک جا جمع کرد و یا خیر؟!

اندیشمندان بر این باورند که رابطه ی انسان و دموکراسی در عصر فعلی و رد جهان معاصر پیچیده چند وجهی است جهان اسلام از لحاظ ایدئولوژی یکپارچه نیست و چشم اندزهای متفاوت و مختلفی در جهان اسلام وجود دارد.

از تفکرات سلفی و تکفیری افراط گرایانه که وجود هرگونه ارتباط بین اسلام و دموکراسی را نفی میکنند. تا مذهبی در درون این دین که معتقد است اسلام خود پایه ی نظام های سیاسی دموکراتیک در تاریخ جهان است.

برخی اسلام گرایان افراطی بر این باور و اعتقاد هستند که دموکراسی مفهومی بیگانه و تحمیلی به وسیله ی غرب گرایان و اصلاح طلبان سکولار است.

آنها تاکید دارند حاکمیت مردم در این نظام ها در مقابل حاکمیت خداست و این در نهایت نوعی شرک و در مقابل خدا ایستادن است...

اما بسیاری از گروه ها با مذاهب اسلامی هستند که اعتقاد دارند اسلام با دموکراسی سازگار است و اشاره دارند به برخی از وقایع تاریخی اسلام و اهمیت جماعت شورا و فرد جمعی در اسلام اما آنچه که در این شرایط اهمیت ویژه دارد این است که جمهوری اسلامی ایران توانسته است الگویی به دنیا ارائه کند که دین و مذهب را کاملاً در کنار مردم سالاری قرار داده و نظام مردم سالاری دینی را که در آن نظر مردم و رای مردم تعیین کننده سرنوشت سیاسی خویش است به دنیا معرفی میکند.



«نفوذ» امیرمحمد وحدتی

نفوذ؛ کلیدواژه‌ی اخیردرسخنان رهبر انقلاب...

هشدار که اگر نادیده گرفته شود قطع به یقین باعث ضربه خوردن خواهد بود. همان طور که در سنوات گذشته باعث ضربه خوردن شده، به عنوان مثال برگردیم به هفتم تیر ماه ۱۳۶۰ محله‌ی سرچشمه‌ی تهران ساعت ۲۰:۳۰ شب؛ ۷۴ نفر از وزرا، نمایندگان مجلس و اعضای حزب جمهوری اسلامی و از جمله آیت الله بهشتی رئیس دیوان عالی کشور و دبیرکل حزب جان خود را از دست دادند. اما توسط کی و چگونه؟! شخصی کاملاً به ظاهر سوپر انقلابی! به نام محمدرضا کلاهی بمب را داخل کیف به محل جلسه برده و..... اینجا هم ردپای نفوذ ...

تقریباً دو ماه بعد، هشتم شهریور ماه ۱۳۶۰ خیابان پاستور تهران حوالی ساعت ۱۵، ایران رئیس جمهور رجایی و نخست وزیر باهنر را از دست می‌دهد اینبار چگونه؟! مسعود کشمیری، جانشین دبیر شورای عالی امنیت ملی!!! و بله اینبار هم ردپای نفوذ... و چه خوب فرمودند آیت الله بهجت که هر چه با ما کردند، جاسوس ها کردند ...

رهبری انقلاب خیلی ساده به مسئولان توجه دادند که: «ملت نمی پذیرد دشمن شکست خورده در مرزهای کشور با انواع ترفند و حيله، توطئه‌ی خود را در داخل پیش ببرد.» اما هدف از نفوذ چیست؟! یک خورده از فضای جاسوسی گذر کنیم! نفوذ اقسام مختلف دارد:

نفوذ امنیت، فرهنگ، سیاسی و اقتصادی. نفوذ فرهنگ به نسبت پیچیده ترین قسم نفوذ است و به مراتب مهمتر از نفوذ اقتصادی و امنیت ...

هدف از این نفوذ اختلال در باورها، ارزش‌ها و سبک زندگی دینی است و ترغیب و تزریق سلايق و علایق خودشان به جامعه... مثلاً یکی از ترفندهای نفوذ، «فشارپذیری با جلوه صلح» است؛ اینکه بر اثر فشارهای بین المللی، زیر معاهدات مغایر با منافع ملی رفتن، نمونه‌ای از فشارپذیری است. به عنوان مثال: اجرا شدن سند ۲۰۲۵ در آموزش و پرورش که در آخر تذکر رهبر انقلاب را هم به دنبال داشت.

یا پذیرش FATF به بهانه‌ی مقابله با پولشویی و نظارت تمام و کمال غربی ها، بر تمام معاملات بانکی، تجاری و بستن دست ایران در دور زدن تحریم ها و یا شکل دهی به افکار عمومی و نخبگان مثل کار رسانه در برجام و و... خیلی باید مراقب این جنتلمن های نفوذی بود!!! به جز اقسام نفوذ، نفوذ در دو حیطه دسته بندی میشه: ۱: نفوذ سخت و ۲: نفوذ نرم مثل خرابکاری جاسوس که منجر به جنگ سخت هم میشه نوعی از نفوذ سخت حساب میشه، اما دستکاری در حوزه فرهنگ و جنگ نرم که در آخر شامل عوامل فریب خورده میشه را نفوذ نرم مینامند که به نسبت سطح اثر و خرابکاری آن بیشتر از نفوذ سخت است .

این است که رهبر فرزانه انقلاب در سخنانشان به دو کلمه‌ی «نفوذی» و «فریب خورده» باهم اشاره میکنند... ابزارهای هر دو نفوذ متفاوت، نفوذ سخت ابزارش اغوا و تهدید اما در نفوذ نرم القا و اقناع که هدف نهایی از این نوع اختلال در دستگاه محاسباتی مردم و مسئولان است، حالا دستکاری محاسباتی یعنی چه؟! یعنی با دستکاری در منطق و ارزش های معیار، در نظام محاسباتی مردم و مسئولان، با اطلاعات درست هم نتیجه گیری اشتباه میکنند، با استفاده از نفوذ نرم، نفوذهای شبکه ای را ایجاد میکنند که با ساخت یک شبکه و جریان انسانی، «فشار اجتماعی» ایجاد میکنند تا نظام ذهنی فرد را بهم بریزد؛ بازی های رسانه ای، و تورهای مجازی از این داستان تبعیت میکنند، قدرت شبکه ای در ذهن و قلب زنجیره های انسانی شکل می گیرد؛ اینجاست که جماعت یک رنگ و یک صدا شکل میگیرد و در روز منکر روشنائی خورشید هم می شوند! جایی که عشق به نفرت، میهن دوستی به وطن فروشی تبدیل میشود... اما مسئله‌ی اصلی اینه که راه مقابله با نفوذ نرم برخلاف نفوذ سخت، تنها اقدام امنیتی نیست؛

کار فرهنگی، اطلاع رسانی و جهاد تبیین می‌خواهد و همه همه اعم از وزیر، مسئولان، سرباز گمنام، سرباز مجازی و واقعی باید سر آن احساس مسئولیت کنند...

ویژه‌نامه جریان بسیج دانشجویی دانشگاه بوعلی سینا



«دانشجوی معلق داستان چیست؟»

داستان یک اعتراض است...

داستان معلق ماندن میان ظاهر پر زرق و برق و فریبنده سبک زندگی غرب و ظاهر ساده و اصیل اسلام...

داستان معلق ماندن میان ظاهر پر زرق و برق و فریبنده سبک زندگی غرب و ظاهر ساده و اصیل اسلامی... داستان هویت سازی نه هویت سوزی دانشگاه؛ سالهاست که تلاش برای اسلامی سازی دانشگاه ها ادامه دارد. فرآیندی که مکرر اسناد جدیدی برایش امضا شده و خوب یا بد، موافق یا مخالف، دانشجو نمیداند چه زمانی، کجا و چه کسی برایش تصمیم میگیرند.

روزگاری؛ شاید ۵۰ سال پیش برای دست یابی به مدرنیته و پیشرفته کردن دانشگاه و کشور تصمیم بر این شد که حجاب را از میان بردارند، اکنون همه از نتایج آن تصمیم آگاهییم...

حال اما بعد از ۵۰ و اندی سال ابتدا به سال ۷۷ و سپس در سال ۹۲ سندی با ۹ فصل و بالغ بر ۶۰ راهبرد برای اسلامی سازی دانشگاه تهیه و تصویب شد و بر دانشگاه های کشور لازم الاجرا...

اما آنچه امروزه در دانشگاه ها اجرا میشود آنقدر با سند دانشگاه اسلامی مغایر است که گویی اصلا چنین سندی وجود ندارد.

اندیشه استاد متأثر از تفکر تهی غرب و دانشجو نیز بی خبر...

گویی هنوز در دانشگاه های ما سال ۵۷ فرانسیده که همچنان آنچه پرسیده و تدریس میشود، جدای از زیرو بم جامعه ایرانیست، جدای از هویت ایرانی-اسلامیست. جدای از آن چیزی است که برایش ابتدا انقلاب کرده بعد هم جانانه دفاعی مقدس کردیم. انقلاب و دفاع مقدس ما آنگونه که باید فهمیده نشده که هنوز عده ای برای دردهای جامعه ایرانی نسخه اروپایی میپیچند و در دانشگاه اسلامی علوم انسانی غربی را علم و جامعه غرب را بت میکنند. و همین است که دانشگاه ما را، دانشجوی ما را ناکارآمد کرده... دانشجو تبدیل شده به روشنفکری که درد جامعه خود را نمیداند، روشنفکری که میان جامعه اسلامی و دانشگاهی غرب زده معلق مانده... درد عمیقتر آنجاست که چرا در میان آن اسناد عریض و طویل با نه فصل و ۶۰ راهبرد، دانشگاه های کشور، دوباره مانند همان ۵۰ سال پیش تنها اجرای ناقص و سطحی راهبردهای مربوط به حجاب را بر خود الزامی میدانند؟ چرا از اسلام تنها حجاب را فهمیده اند؟ چطور شد که استاد غربگرا و منابع غرب تایید شد، اما عدالتخواهی و آزاد اندیشی استاد و دانشجو رها شد...؟! مگر نه اینکه دانشگاه باید فلسفه جهان بینی و نظام اعتقادی و ارزش جامعه را در خود متجلی سازند، چطور شد که از جهانی بینی اسلامی چیزی جز نامی پوشالی نماند اما جهانی بینی سکولار در دانشگاه اسلامی ما تجلی یافت؟! چرا دانشجو ناچار شد محتوای غرب بیاموزد اما ظاهر اسلامی بگیرد؛ جامعه شناس غرب بخواند ولی درد جامعه اسلامی را درمان کند...

چه زمانی قرار است این بلا تکلیفی پایان پذیرد و برای ما مفهوم شود که اسلامی بودن دانشگاه به حاکمیت اصول اعتقادی، احکام و اخلاق اسلامی در تمامی ابعاد دانشگاه است نه صرفاً ظاهر آن...



ویژه نامه جریان
بسیج دانشجویی
دانشگاه بوعلی سینا



امیر محمد وحدتی «ساده لوحی و فراموشی یا خیانت و دین فروشی؟»

{مجمع مدرسین و محققین شهادت یحیی سنوار را تسلیت می گوید و معتقد است تنها راه صلح پایدار تشکیل دو دولت مستقل و بازگشت اسرائیل به مرزهای قانونی است}

این صحبتی نیست که از حلقوم خائن پادشاه یک کشور عربی همچون اردن خارج شده باشد یا عبارتی نیست که یک دیپلمات غرب زده و مغروق در مرداب گندزده تمدن منحط آمریکایی گفته باشد؛ بلکه بخشی از بیانیه مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم در واکنش به شهادت یحیی سنوار رئیس دفتر سیاسی حماس، خط اول مبارزه با رژیم صهیونیستی می باشد.

این که این واکنش ناشی از رخنه و ریشه دواندن انجمن حجتیه ای ها در این گروه است یا رسوبات متوهمان و قدرت طلبان فتنه ۸۸ هستند و یا از همان ابتدا در قافله منتظری ها و شریعتمداری ها بودند و خون به دل فقیه زمان کردند را نمی دانیم، اما این گزاره را اطمینان داریم که این جماعت به اصطلاح محقق نشان دادند با کالبد روحانیت انقلابی هیچ شباهتی نداشته و با اسلام ناب محمدی (ص) فرسنگ ها فاصله دارد. این رویداد تلخ که مبلغان و متخصصان دین خود دچار نسیان در اصول و آرمان شوند و با ساده لوحی و خیانت بر پیکر اسلام چنگ زنند و بر تن آن خرقة پوشانند قبلا هم در صفحه پرامتحان تاریخ رقم خورده است و ریشه یابی آن از این فرصت خارج است، افرادی همچون طلحه، زبیر و... سخنانی را که از دهان مبارک حضرت رسول (ص) شنیده بودند را با خاک غفلت به باد فراموشی سپردند و در مقابل امیرالمومنین (ع) شمشیر زدند. حال اینکه برخی روحانی نمایان سکولار شوند و از

یاد ببرند که استکبار و صهیونیست با امپریالیسم مابی خود چه بر سر امت مسلمان و ملت های جهان آورده اند دیگر مارا متعجب نمیکند. اما باید یک نهیپ به خود بزنیم که از



یاد نبریم که مرکزیت شرارت در دنیا و منطقه استکبار و صهیونیست است و اگر بر حوزه هدف خود مسلط

شوند، تمام توان خود را خواهند گذاشت تا انقلاب اسلامی و در طول آن جمهوری اسلامی را از بنیان برکنند و هیچ اثری از اسلام نمیگذارند. کاتالیزور این آتش که خبیثان عالم در دامان امت اسلامی انداخته اند، ساده لوحی و بی تعقلی خواص آن است، خواصی که جلد اسلامی بودن آنان را از عمق مفاهیم اصیل دور کرده است. شهیدان بهشتی، مطهری، الحسینی، نواب صفوی، اندرزگو و هزاران روحانی شهید دیگر را به خاطر بسپارید و نصب العین خود قرار دهید و بدانید کوچکترین سخن و اقدامی که تضعیف انقلاب اسلامی باشد و به هر طریقی مشروعیت بخشی به رژیم جعلی صهیونیستی باشد. عقوبت الهی را در پی داشته و خیانت به قطره قطره خون شهیدان راه حق این عالم است، در انتها ضمن متذکر شدن این حقیقت تاریخی و حقوقی که هیچ مرز قانونی برای رژیم صهیونیستی وجود ندارد که بخواهد به آن برگردد و راه حل صبح پایدار تشکیل دو دولت مستقل نیست بلکه نابودی رژیم اشغالگر است، بخشی از صحبت های معمار کبیر انقلاب امام روح الله الخمينی (ره) را بازخوانی میکنیم تا ممیزی باشد بر تشخیص سره از ناسره؛ {شاید گاهی شما یا مردم خیال بکنند که من اگر از روحانیت طرفداری میکنم برای این است که من هم یک معمم هستم و این گروه گرایی است و من کرارا گفته ام که من با هرکه معمم است و اسم خویش را روحانی گذاشته است موافق نیستم. من کرارا گفته ام که روحانی ای که بر خلاف مسلک روحانیت و اسلام عمل بکند و توطئه گر باشد از ساواکی بدتر است. قضیه این نیست که من بگویم هرکه عمامه سرش هست این مورد تأیید است؛ خیر من از بسیاریشان متنفر هستم و به بسیاری از آن ها اعتماد ندارم و کرارا هم گفته ام که

اینجایی که دادگاه هست انجایی که مثلا کمیته ها هستند باید مواظب باشند که اگر یک روحانی بر خلاف عمل کرد شکایت کنند و همان روحانی را هم بیاورند محاکمه کنند.

ویژه نامه جریان
بسیج دانشجویی
دانشگاه بوعلی سینا



«مردم سالاری اسلامی»

فاطمه محمودی شجاع

برای دنبال کردن بحث باید کمی تعصبات و صبغه های شکلی الفاظ را کنار بگذاریم. تقیّد به اینکه این کلمه فارسی است یا عربی، یونانی است یا لاتین، مربوط به عالم ادبیات است و در اینجا ما باید به معانی پردازیم و معانی را هم نباید به صورت آرمانی و انتزاعی در نظر گرفت. ما باید واقعیت هارا ببینیم؛ یعنی آنچه را در غرب به نام دموکراسی مطرح است با آنچه در میدان عمل عنوان اتکا به آرای عمومی در نظام اسلامی اجرا میشود، به صورت عینی، عملی و به صورت قضیه خارجیّه مقایسه کنیم؛ نه به صورت انتزاعی



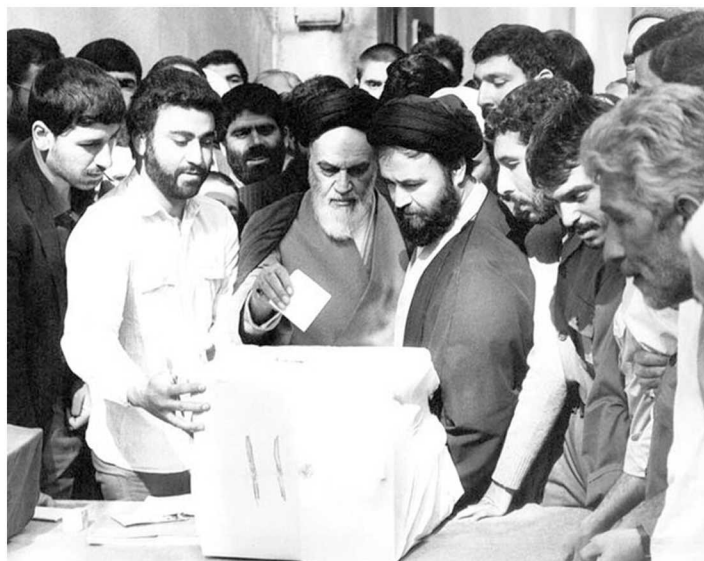
امام(ره) دقیقا این نکته را بیان فرموده اند که مسئله ما مسئله دموکراسی برتر است، یعنی در مقایسه ما یک چیزی هم افزون داریم، چون این مردمی که همه چیز را تعیین می کنند و همه اختیارات دست آنها است، مردمی هستند وارسته، معتقد به خدا، معتقد به ارزش های الهی و جز خیر و صلاح و سعادت چیز دیگری را مدنظر قرار نمی دهند. شاید هم این کلمه دینی را که ما به عنوان پسوند می آوریم برای همین است که بگوییم دموکراسی به علاوه معنویت، قداست و صبغه الهی است.

این انقلاب، جمهوریت و اسلامیت است؛

در مکتب سیاسی امام، مردم سالاری از متن دین برخاسته است؛ از «امرهم شوری بینهم» برخاسته است؛ از «هو الذی ایدک بنصره و بالمؤمنین» برخاسته است. ما این را از کسی وام نگرفته ایم. عده ای می خواهند وانمود کنند که نقش مردم در اداره حکومتها را باید غربی ها بیایند به ما یاد بدهند!

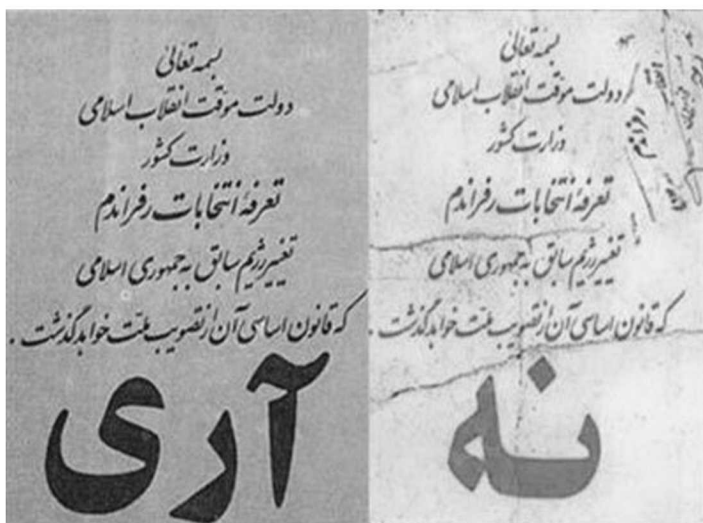
غربی ها خودشان هنوز در خم یک کوچه گرفتارند...

اینکه در نظام مقدس جمهوری اسلامی، قدرت اجرایی، با متانت، با آرامش، باصفا و صمیمیت، بین خدمتگزاران نظام دست به دست میشود، یک پدیده ارزشمند و مهمی است، این پدیده ناشی از مردم سالاری اسلامی، که امام بزرگوار ما با درایت خود، با حکمت خود، آن را اساس کار نظام جمهوری اسلامی قرار دادند...



مردم سالاری وقتی با مفاهیم خاصی مقارن گردد می تواند دین و یا سکولار باشد. بنابراین آنچه رنگ و بوی مردم سالاری را تغییر می دهد همان مشخصات و اجزای خاصه یک جامعه می باشد. مردم سالاری دینی نمونه ای است که نشان می دهد چگونه ارزشهای مردم سالارانه می تواند در پهنه فرهنگی متفاوت از آنچه تاکنون شناخته شده است وجود داشته باشد. اما در یک جامعه سکولار مشخصات و ارزشهای دیگری مهم تلقی شده و بر آن تمرکز ایجاد شده و مبنای مردم سالاری قرار میگیرد، از دیدگاه سکولاریسم مفاهیم جامعه مردم سالار و جامعه سکولار یکسان می باشند. بنابراین بر جدایی کامل دین از سیاست پافشاری شده و اعتقاد دارد بدون این جدایی هیچ گریزگاهی از استبداد وجود نخواهد داشت. در این اندیشه حاکمیت مطلق مردم غالب است...

شما فروردین ۱۳۵۸ را در نظر بگیرید که مردم برای رای دادن به جمهوری اسلامی پای صندوق ها آمدند، در این بستر، رای، رای مردم است؛ همه چیز را مردم تعیین می کنند؛ خواست خواست مردم است؛ همه در خدمت این مردم اند؛ هیچکس از مردم نمی تواند جدا باشد؛ در جامعه ای که اکثر مردم دین اسلام را به عنوان سیستم اخلاق برتر بپذیرند مردم سالاری اسلامی متصور است و محقق میشود اگر انتخابات و مردم سالاری و تکیه به آراء مردم، جزو دین نمیبود و از شریعت اسلامی استفاده نمیشد، امام هیچ تقیدی نداشت ان ادم صریح و قاطع مطلب را بیان میکرد این جزو دین است.



ویژه نامه جریان
بسیج دانشجویی
دانشگاه بوعلی سینا



دانشجو و قومیت‌گرایی

مهیار محمدپور



هر ساله افراد زیادی با پشت سر گذاشتن سختی‌های مسیر تحصیل پا به عرصه **دانشگاه** می‌گذارند، کسانی که با شوق و علاقه برای کشف دنیای جدیدی از علم راهی این وادی شده‌اند و دانشجو شده‌اند. اما در طی دوران به ظاهر آرام دانشجویی چاله‌های بسیاری بر سر راه دانشجویان قرار گرفته که یکی از چاله‌ها قومیت‌گرایی است که اگر از حد بگذرد ممکن است تبدیل به چاه هم شود که دیگر راه گریز از آن بسیار دشوار میشود. دانشجویانی که هر ساله وارد دانشگاه میشوند معمولاً در ابتدا دنبال کسانی میگردند که از نظر **جغرافیایی، قومی و زبانی** با یکدیگر اشتراک دارند که سرانجام منجر به تشکیل اکیپ‌های قومیتی می‌شود. بوجود آمدن این اکیپ‌ها در فضای دانشگاه عموماً باعث بوجود آمدن مشکل خاصی نمیشود بلکه حس اعتماد به نفس و عدم غریبه بودن را به دانشجویان القا میکند. مشکل از اینجا شروع می‌شود که اکیپ‌های قومیتی مختلف با یکدیگر به تقابل برسند که در این صورت **قومیت‌گرایی منفی** رخ می‌دهد. این پدیده منجر به تعصب‌های قومیتی میشود و ناخودآگاه دانشجویان به سمت یک فضای خشک خود برتر بینی کشیده میشود. به وجود آمدن این نوع فضاهای قومیتی و تعصبی باعث ضربه به شخصیت و بعد **روحی و روانی دانشجو** میشود و کار به جایی می‌رسد که دانشجو به جای تمرکز بر روی هدف اصلی درس خواندن و علم پژوهی درگیر داستان‌ها و حواشی‌های قومیتی میشود. در قرآن کریم نیز تعصب قومی نفی شده است: «(یایها الناس انا خلقنکم من ذکر والانتی وجعلنکم شعوبا وقبائل لتعارفن اکر مکم عند الله اتقاکم ان الله علیم خبیر)» ای مردم، همه شما را قبایله‌های بزرگ و کوچک قرار دادیم تا همدیگر را بشناسید (پس در میان شما برتری نژادی نیست بلکه) مسلماً گرامی‌ترین شما در نزد خدا پرهیزکارترین شماست همانا خداوند بسیار دانا و آگاه است. خلاصه در طول دوران دانشجویی باید مراقب این مدل چاه‌ها بود و درگیر حواشی نشد به خصوص در همدان عزیزمان که با ۳ قوم بزرگ ترک و کرد و لر همسایه است و از همه اقوام در این استان زندگی میکنند در نتیجه حواسمان به تعصب‌های الکی و حواشی‌های قومیتی باشد.

ویژه‌نامه جریان
بسیج دانشجویی
دانشگاه بوعلی سینا



۱۵

بسیج دانشجویی دانشگاه بوعلی سینا



راه‌های ارتباطی: کانال بسیج دانشجویی
دانشگاه بوعلی سینا در تلگرام به آدرس
[@BASIJBUALI](https://t.me/BASIJBUALI)

جهت تمایل به همکاری با هیئت تحریریه
نشریه جریان، با آیدی [@jaryan_basu](https://t.me/jaryan_basu)
در پیام رسان ایتا در تماس باشید.

پذیرای نظرات و انتقادات ارزشمند شما عزیزان هستیم
